

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۱۴

یوحنا ۱: ۱۲-۵۰

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید ترنر است که در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا می باشد. این جلسه ۱۴، بازگشت به اورشلیم برای آخرین بار، یوحنا ۱: ۱۲-۵۰ است.

ما همین الان داشتیم به یوحنا ۱۱ و معجزه باشکوه و اوج انجیل یوحنا، یعنی زنده کردن ایلعازر از مردگان، نگاهی می انداختیم.

ما از اینکه این امر باعث شد بسیاری از حاضران به عیسی ایمان بیاورند، تعجب نمی کنیم. نکته شگفت انگیز و ناامیدکننده در مورد این حادثه این است که رستاخیز باعث می شود رهبران مذهبی بیش از پیش مصمم شوند که عیسی را از بین ببرند. در واکنش به این امر، عیسی به مکانی مبهم به نام افرایم رفته است، همانطور که قبل از یوحنا ۱۱ نیز چنین کرده بود، و برای مدت کوتاهی به بیت عنیا در آن سوی اردن رفته بود.

برای عیسی ضروری است که برای حفظ امنیت شخصی خود، مدتی از اورشلیم دور شود. بنابراین، همانطور که یوحنا ۱۱ به پایان می رساند، عیسی به افرایم رفته و مردم اورشلیم را در حالی که عید فصح نزدیک می شود، در حالت تعلیق رها کرده است. آنها در تلاشند تا بفهمند چه اتفاقی برای عیسی افتاده است.

آنها در این فکر هستند که آیا او اصلاً در جشن حضور دارد یا خیر. فصل ۱۱، آیه ۵۶، بر اساس آخرین جلسه آنها، شورا تصمیم گرفته است که این خبر را به همه منتقل کند که هر کسی که عیسی را می بیند باید آن را گزارش دهد تا او دستگیر شود. بنابراین، به فصل ۱۲ می رسیم و عیسی به بیت عنیا، به خانه لازاروس و مریم مارتا بازی گردد و سپس وارد شهر می شود.

سنت هم نوا (سینوپتیک) در اینجا نیز برای یوحنا دوباره مطرح می شود، زیرا چیزی را داریم که معمولاً مدخل پیروزی نامیده می شود. بنابراین، طبق رسم ما، ابتدا به جریان روایی این فصل نگاه می کنیم و سپس برمی گردیم و برخی از مسائل این فصل را بررسی می کنیم. بنابراین، عیسی اکنون از افرایم به بیت عنیا، درست در شرق کوه زیتون، بازگشته است و ما مسح مریم را در شام با ایلعازر داریم.

از اینجا به بعد، لازاروس ارتباط نزدیکی با عیسی خواهد داشت، آنقدر که رهبران یهودی نه تنها باید تصمیم بگیرند که عیسی را بکشند، بلکه لازاروس را نیز بکشند، زیرا لازاروس مانند نمونه ای الف از دلآوری عیسی و نشانه هایی است که او انجام داده و واقعیت پیام او و قدرت او به عنوان نماینده ی پدر بر روی زمین است. بنابراین، اگر قرار است عیسی را از بین ببریم، باید لازاروس را نیز از بین ببریم، چیزی تقریباً شبیه به یک فیلم گانگستری که متأسفانه باید تمام شاهدان را بکشید تا از دردسر جلوگیری کنید. بنابراین، عیسی با هیاهوی زیادی وارد اورشلیم می شود و در اینجا به سنت همدید ورود پیروزمندان برمی گردیم و حادثه ای داریم که در آن برخی افراد خود را یونانی معرفی کردند، بعداً کمی بیشتر در مورد اینکه این افراد چه کسانی بودند و چه چیزی ممکن است در انجیل نشان داده شوند، صحبت خواهیم کرد.

این بخش از فصل کمی گیج کننده است. خب، این افرادی که یونانی هستند می خواهند عیسی را ببینند. مشخص نیست که آیا واقعاً او را دیده اند یا نه.

فکر می کنم که این کار را می کردند، اما متن صریحاً این را بیان نمی کند. سپس وقتی این فصل شاید به نظر من غم انگیزترین بخش انجیل یوحنا باشد، جایی که نویسنده به گذشته نگاه می کند و به تمام آنچه عیسی گفته و

تمام آنچه عیسی انجام داده است، تأمل می‌کند و به این واقعیت می‌اندیشد که هیچ پاسخ مثبت و برانگیزاننده‌ای به او داده نشده است. و بنابراین، آیه‌ای که واقعاً، به نظر من از بسیاری جهات، غم‌انگیزترین آیه در انجیل یوحنا است، تقریباً چیزی شبیه به یک ناله و زاری سوزناک است.

حتی پس از اینکه عیسی این همه معجزات در حضورشان انجام داده بود، آنها هنوز به او ایمان ۱۲:۳۷ نیاوردند. مثل این است که بگویید چه کار خواهید کرد؟ او هر کاری که از دستش بر می‌آمده انجام داده است. او این کار را بارها و بارها، سال به سال، جشنواره به جشنواره انجام داده است، اما با وجود تمام کارهایی که انجام داده است، به ویژه هفت معجزه که در رستاخیز ایلعازر به اوج خود رسید، آنها هنوز به او ایمان نیاورده‌اند.

بنابراین، ما از آن تفکر شکست خورده بیرون می‌آییم. با این حال، بلافاصله پیشگویی اشعیا به تصویر کشیده می‌شود. و بنابراین، کل ماجرا به مشیت الهی نسبت داده می‌شود.

و با این وجود، خدا از این موضوع غافلگیر نمی‌شود. و بنابراین، همه چیز در دست خداست. بنابراین، ما از آن خلاصه نهایی از خدمت عیسی و رویکرد الهیاتی به آن، و اذعان به اینکه بسیاری ایمان آوردند، هرچند ایمان خود را علنی نکردند، عبور می‌کنیم.

سپس بخش آخر انجیل یوحنا از فصل ۱۲، آیات ۴۴ تا ۵۰، وقتی آن را می‌خوانید، تقریباً مانند خلاصه‌ای مختصر از هر آنچه عیسی تاکنون تعلیم داده است، به نظر می‌رسد. بنابراین، بیایید آن را با هم بخوانیم و هر آنچه را که تا به اینجا آمده است به خاطر بسپاریم و از این به عنوان خلاصه‌ای از خدمت عمومی عیسی در انجیل یوحنا استفاده کنیم. هر که به من ایمان آورد، ابتدای آیه ۴۴، باید بگویم نه ۴۷، هر که به من ایمان آورد، فقط به من ایمان نیاورده، بلکه به کسی که مرا فرستاده است نیز ایمان آورده است.

هر که به من بنگرد، فرستنده مرا می‌بیند. من همچون نوری به جهان آمده‌ام تا هر که به من ایمان آورد، در تاریکی نماند. اگر کسی سخنان مرا بشنود اما آنها را حفظ نکند، من او را داوری نمی‌کنم، زیرا من به جهان نیامده‌ام تا جهان را داوری کنم، بلکه آمده‌ام تا جهان را نجات دهم.

برای کسی که مرا رد کند و سخنان مرا نپذیرد، داوری هست. همان سخنانی که من گفته‌ام، در روز بازپسین او را محکوم خواهد کرد. زیرا من از خود سخن نگفته‌ام، بلکه پدری که مرا فرستاده است، مرا فرمان داده است که هر آنچه گفته‌ام، بگویم.

می‌دانم که فرمان او به حیات جاودان منتهی می‌شود. پس هر چه می‌گویم، همان است که پدر به من گفته است. «بنابراین، این جریان روایت یوحنا است که در این کلمات از آیات ۴۴ تا ۵۰ به پایان می‌رسد و حداقل به نظر من، به نوعی تکرار همان چیزی است که عیسی در تمام این انجیل به طور خلاصه گفته است. بنابراین، اکنون برمی‌گردیم و دوباره به صورت موضوعی‌تر به متن نگاه می‌کنیم و فقط متوجه می‌شویم که با پیشرفت این چیزها در یوحنا، واقعاً چه اتفاقی می‌افتد.

متأسفانه، ما قبلاً گفته‌ایم که این درگیری در حال جوشش به اوج خود رسیده است، و فکر می‌کنم این فصل نشان می‌دهد که به وضعیت نهایی خود رسیده است. بنابراین وقت نمی‌گذاریم به عقب برگردیم و به تمام این متونی که در اینجا در اسلاید فهرست کرده‌ایم نگاهی بیندازیم، اما همانطور که می‌دانید، با بازگشت به اولین سفر عیسی به اورشلیم، زمانی که او معبد را پاکسازی کرد و اقتدار او در آنجا به چالش کشیده شد بارها و بارها در طول فصل‌های بعدی متوجه می‌شویم که واکنش منفی به عیسی در حال شکل‌گیری است، و اگرچه در سراسر انجیل به ما یادآوری می‌شود که افراد بیشتری به او ایمان می‌آورند، اما این تصور کاملاً واضح است که افراد بیشتر و بیشتری به او ایمان نمی‌آورند، و این افراد مهم‌تری هستند که امور را اداره می‌کنند و

به او ایمان ندارند. حداقل اکثر آنها ایمان ندارند زیرا ما نیکودیموس و یوسف رامه را داریم که ظاهراً در این زمان حداقل به طور خفیف طرفدار عیسی بودند.

بنابراین، درگیری شدید در حال اوج گرفتن است و زنده کردن لازاروس، که شما فکر می کنید باید اوضاع را بهتر کند، به یک معنا فقط اوضاع را بدتر می کند، زیرا منجر به ایمان آوردن گروه دیگری از مردم به عیسی می شود، اما همچنین عزم و خشم کسانی را که به عیسی ایمان ندارند، تشدید می کند. بنابراین طبق آیه شما مؤمنان بیشتری دارید، اما انگیزه بیشتری از سوی کسانی که نمی خواهند عیسی از شر او خلاص، ۱۱:۴۵ شود، وجود دارد، زیرا زنده کردن لازاروس به عنوان چیزی که پیروان عیسی را بیش از پیش هیجان زده کرده است، به تصویر کشیده شده است و در حال حاضر افراد زیادی برای جشن فصح می آیند و بنابراین آنها این خبر را می شنوند که پیامبری در شهر وجود دارد که به تازگی شخصی را از مردگان زنده کرده است. آنها می توانند شخصی را که از مردگان زنده شده است ببینند، و بنابراین اکنون فریسیان در دردسر هستند زیرا آنها نه تنها باید عیسی را از بین ببرند، بلکه باید کسی را که عیسی از مردگان زنده کرده است نیز از بین ببرند.

بنابراین، پس از دیدن مکرر متونی در انجیل یوحنا که در آنها عیسی گفته است، ساعت من هنوز نرسیده است، که از خیلی قبل در قانای جلیل در فصل ۲ شروع می شود، اکنون بالاخره به این واقعیت اشاره می کنیم که ساعت عیسی فرا رسیده است. در یوحنا فصل ۱۲، آیه ۲۳، عیسی می گوید، ساعت آن رسیده است که پسر انسان به راستی جلال یابد. به شما می گویم، اگر دانه گندم به زمین نیفتد و نمیرد، فقط یک دانه باقی می ماند، اما اگر بمیرد، دانه های زیادی تولید می کند.

بنابراین، عیسی اکنون کاملاً واقع بینانه و واضح در مورد کوتاه بودن زمان خود و نزدیک بودن مرگش صحبت می کند. نکته جالب دیگر در مورد این فصل، رویدادی است که قبل از متنی که خواندم، رخ می دهد. در یوحنا فصل ۱۲ و آیه ۲۰ آمده است که در میان کسانی که برای عبادت در عید آمده بودند، چند یونانی نیز بودند و نزد فیلیپ که اهل بیت صیدا در جلیل بود، آمدند و از او درخواست کردند که آقا، ما می خواهیم عیسی را ببینیم.

بنابراین، فیلیپ به دیدن اندرو رفت و اندرو و فیلیپ به نوبه خود به عیسی گفتند. این کمی عجیب به نظر می رسد زیرا هیچ آیه بعدی وجود ندارد که در پاسخ به پرسش، بگوید عیسی برای ملاقات با آنها بیرون رفت و چیزی شبیه به این نگفت. بنابراین، این فقط نوعی بلا تکلیفی است و آنچه عیسی پس از آن می گوید مستقیماً به این سوال که آیا آیات با حروف قرمز، اگر بخواهید آنها را اینگونه بنامید، از آیات ۲۳ تا ۲۸، آیا او بیرون رفته و این سخنان را به این یونانیانی که می خواهند او را ببینند گفته است یا اینکه این فقط چیزی است که او در تأمل در مورد درخواست یونانیان به شاگردان می گوید، اشاره ای نمی کند.

خب، این افراد چه کسانی هستند؟ این یونانی هایی که برای عبادت در عید فصح می آیند چه کسانی هستند؟ آنها می توانند افرادی باشند که فقط برای زیارت به آنجا آمده اند، و شاید فقط کنجکاو باشند، توریست باشند، از این قبیل چیزها، فکر می کنم. آنها در مورد عید فصح در اورشلیم شنیده اند، در مورد اینکه شهر چقدر شلوغ است، و اینکه، وای، شما باید بروید آنجا را ببینید، و شاید آنها فقط از روی همین کنجکاوی آمده اند. فکر می کنم این امکان وجود دارد.

با این حال، به نظر می رسد که آنها برای عبادت در این جشن به آنجا رفته بودند و به نوعی به عنوان مؤمن به خدا در آنجا حضور داشتند. بنابراین، این سوال مطرح می شود که آیا آنها یهودیانی بودند که کم و بیش در دیاسپورا زندگی می کردند و بیشتر یونانی شده و به فرهنگ یونانی عادت کرده بودند، عمدتاً به زبان یونانی صحبت می کردند، تورات را به ترجمه یونانی، آنچه اکنون به آن نگاه می کنیم و به عنوان سبتوآجینت می شناسیم، می خواندند و شاید در درک خود از شریعت کمی بازتر از یهودیانی بودند که در آن زمان در

فلسطین زندگی می‌کردند. شاید افرادی مانند کسانی که بعداً در اعمال رسولان فصل 6 توصیف شده‌اند، با یهودیان عبری‌تر در کلیسای اولیه مشکل داشتند.

خب، یادتان هست که آنجا یک بحث، یک بحث، یک مشکل بین یهودیان هلنیستی و یهودیان عبری وجود داشت، به اصطلاح، آنهایی که بیشتر به فرهنگ هلنیستی عادت کرده بودند و آنهایی که در فلسطین سختگیرتر بودند. شاید ما آن را اینجا داشته باشیم. عبارت‌بندی در یونانی کمی متفاوت است، اما گمان می‌کنم امکان‌پذیر باشد.

من فکر می‌کنم شاید بیشتر محتمل باشد که این افراد غیریهودی باشند، نه یهودی، بلکه غیریهودییانی باشند که از روی کنجکاوی به اورشلیم نمی‌آیند، بلکه به این دلیل به اورشلیم می‌آیند که خدای اسرائیل را شناخته‌اند و از آن دسته افرادی هستند که در کتاب اعمال رسولان به عنوان ترسندگان از خدا یا خداترسان توصیف شده‌اند. شاید قبلاً در کتاب اعمال رسولان در مورد آنها خوانده باشید. من معمولاً از خود می‌پرسم که آیا فردی که در انجیل لوقا با او ملاقات می‌کنیم را نیز باید خداترس دانست، اگرچه این اصطلاح برای توصیف او استفاده نشده است.

در لوقا فصل 7، آن مرد، آن افسر رومی، که رهبران یهودی به عیسی می‌گویند، او ملت ما را دوست دارد و کنیسه ما را ساخته است. به نظر می‌رسد که کسی چنین کاری را انجام داده است فقط به این دلیل که به معنای واقعی کلمه به خدای اسرائیل ایمان آورده است. همانطور که از کتاب اعمال رسولان می‌دانیم احتمالاً از فصل 13 شروع می‌شود، جایی که پولس به مخاطبانی که در انطاکیه پیسیدیه با آنها صحبت می‌کند می‌گوید، ای برادران، و ای کسانی که در میان شما از خدا می‌ترسید، همانطور که خطبه را در اعمال رسولان فصل 13 آغاز می‌کند.

و همانطور که موعظه در فصل 13 اعمال رسولان به پایان می‌رسد، همانطور که ممکن است از قبل به خوبی آگاه باشید، واکنش مثبت جالب غیریهودیان در میان حضار به همه این موارد وجود دارد. ما در آیه و پس از آن در مورد آن می‌خوانیم، پولس و برنابا در حال ترک کنیسه بودند. مردم از آنها دعوت کردند 42، تا در سبت بعدی که جماعت، بسیاری از یهودیان و مؤمنانی که به یهودیت گرویده بودند، مرخص شدند. بیشتر در مورد این چیزها صحبت کنند.

است که من می‌خوانم، شامل کسانی است که به یهودیت گرویده‌اند و من در اینجا از NIV، این اصطلاح آنها به عنوان خداترسان صحبت می‌کنم. راستش را بخواهید، آدم تعجب می‌کند که آیا این ترجمه خوبی است یا نه، چون کسانی که به یهودیت گرویده بودند، یهودی محسوب می‌شدند. اما این متن این گروه را از یهودیان متمایز می‌کند، بنابراین به نظر من، بیشتر احتمال دارد که اینها افراد غیریهودی باشند که به آنچه در کنیسه می‌گذشت علاقه‌مند شده بودند، به خدای اسرائیل احترام گذاشته بودند و به خدای اسرائیل به جای خدایان بت‌پرست یا پرستش امپراتور در فرهنگ خودشان اعتقاد داشتند.

بنابراین، آنها به خدا ایمان داشتند، اما احتمالاً هنوز به یهودیت روی نیاورده بودند، که در مورد مردان مستلزم ختنه بود، و در مورد مردان و زنان در آن زمان نوعی غسل تعمید، یک آیین غوطه‌وری برای ورود به دین یهود، لازم بود. به نظر من، این افراد به یهودیت روی نیاورده بودند، اما آنها در مرحله بعدی آن بودند. آنها مطمئناً، به معنای دقیق کلمه، دیگر به عنوان غیریهودیان نجس شناخته نمی‌شدند.

بنابراین، این افراد، با این حال، ما می‌خواهیم این اصطلاح را در اعمال رسولان 13:43 ترجمه کنیم، بسیاری از این افرادی که پولس در کنیسه آنجا با آنها صحبت می‌کرد، می‌گویند که از پولس و برنابا پیروی می‌کردند که با آنها صحبت می‌کردند و آنها را به ادامه در فیض خدا ترغیب می‌کردند. و اگر وقت بگذاریم، چند جای دیگر در اعمال رسولان پیدا خواهیم کرد که در آنها به همین نوع شخص در بیش از یک مورد اشاره شده

است. به عنوان مثال، در اعمال رسولان ۱۳:۴۸، وقتی غیریهودیان این را شنیدند، خوشحال شدند و کلام خداوند را گرامی داشتند و همه کسانی که برای حیات جاودان تعیین شده بودند، ایمان آوردند.

من نمی‌دانم که این غیریهودیان، غیریهودیان خام و بی‌تجربه‌ای بودند یا نه. به احتمال زیاد آنها غیریهودیانی بودند که به خدای اسرائیل ایمان آورده بودند و تا حدودی با یهودیت آشنا شده بودند و می‌دانستند که پولس هنگام بیان پیامش در اعمال رسولان ۱۳ در مورد تاریخ اسرائیل و اینکه چگونه عیسی تحقق امید اسرائیل است، چه می‌گوید. به هر حال، این یونانیان تا حدودی مرموز که در یوحنا ۱۲:۲۰ اینجا ظاهر می‌شوند، به احتمال زیاد غیریهودیان خداترسی هستند که برای پرستش خدا در عید فصح با دوستان یهودی خود به آنجا آمده‌اند.

سوال این است که چرا این موضوع در این برهه از روایت مطرح شده است؟ چرا اصلاً لازم است که در این برهه به آن اشاره شود، به خصوص وقتی که ما فقط در این مورد مردد هستیم که آیا عیسی واقعاً به طور خاص بازگشته و با آنها صحبت کرده است یا خیر؟ همانطور که در مورد این موضوع فکر می‌کنیم، در اینجا چند نکته وجود دارد. در این مرحله، عیسی اساساً هر کاری را که قرار است انجام دهد، شاید هر کاری که شما بگویید او می‌تواند برای اسرائیل انجام دهد، انجام داده است. خدمت عمومی او به اسرائیل کامل شده است.

با این حال، او پیش از این به این واقعیت اشاره کرده است که گوسفندان دیگری دارد که از این گله نیستند و می‌خواهد آنها را با مؤمنان یهودی در خود گرد هم آورد تا فقط یک گله و یک آغل گوسفند وجود داشته باشد. علاوه بر این، سخنان قیافا به عنوان یک استراتژی سیاسی بیان شد که یوحنا در فصل 11، آیه 52، معنای متفاوت و معنوی‌تری برای آن می‌بیند. او پیشگویی کرد که عیسی برای ملت یهود خواهد مرد و نه تنها برای آن ملت، 11:52 می‌گوید، بلکه برای فرزندان پراکنده خدا تا آنها را گرد هم آورد و یکی، 1151، کند.

بنابراین شاید با توجه به این موضوع، در اینجا تأکیدی وجود دارد، زیرا رسالت عیسی به پایان خود نزدیک می‌شود و او کاملاً با اسرائیل صحبت کرده است. ما این اشارات را داشته‌ایم که عیسی به ملل دیگر علاوه بر اسرائیل نیز علاقه دارد. شاید این موضوع به همین موضوع مرتبط باشد.

بنابراین، اگر چنین باشد، پس این غیریهودیان در حال پیش‌بینی مخاطبان جهانی مورد نظر داستان عیسی هستند. بنابراین، وقتی می‌بینیم که یوحنا به نتیجه‌گیری خود می‌رسد، اکنون مطمئناً به طور ضمنی می‌دانیم که در سنت هم‌نوا به صراحت بیان کرده‌ایم که پیام عیسی باید به همه ملت‌ها منتقل شود. در انجیل یوحنا، دقیقاً آنطور که در سنت هم‌نوا آمده است، این موضوع به عنوان مأموریت رسولان به صراحت بیان نشده است، اما شاید این روش یوحنا برای اشاره به این موضوع باشد.

یوحنا گاهی اوقات چیزهایی را به صورت نمادین یا خاموش بیان می‌کند، و شاید این دقیقاً همان چیزی باشد که ما در اینجا با آن روبرو هستیم. در هر صورت، متون زیادی در یوحنا وجود دارد که ما در پایین اسلاید اینجا فهرست کرده‌ایم، که به ما نشان می‌دهد که خدا قصد دارد انجیل را به همه برساند. در نهایت، عیسی برهه‌ی خداست که در فصل ۱، آیه ۲۹ گناه جهان را برمی‌دارد، نه گناه یهودیان را.

و این است که خدا در یوحنا ۳:۱۶ جهان را بسیار دوست دارد، نه فقط فرزندان ابراهیم را. طبق فصل ۴ خدا مطمئناً به سامری‌ها اهمیت می‌دهد. عیسی نان حیات است که در فصل ۶ برای حیات جهان داده می‌شود. عیسی در آیه ۸ نور اسرائیل نیست، او در واقع نور جهان است. اصطلاح جهان در یوحنا اصطلاح جالبی است، ما دلیلی برای بحث در مورد آن در ویدیوهایمان خواهیم داشت، اما فکر می‌کنم این به ما نشان می‌دهد که خدا مطمئناً نه تنها به اسرائیل، بلکه به تمام بشریت علاقه‌مند است.

ما در یوحنا ۱۲ چیزهای بسیار جالبی در مورد تحقق کتاب مقدس داریم، به ویژه متنی که در مدخل پیروزی ذکر شده است، که شاید از قبل از طریق سنت هم‌نوا، یوحنا ۱۲، آیه ۱۳، با آن آشنا هستیم. هنگامی که عیسی وارد اورشلیم شد، جمعیت شاخه‌های نخل را برداشتند و برای استقبال از او بیرون رفتند و فریاد زدند: هوشیعیانا، که به نظر من اساساً به معنای اکنون ما را نجات بده است. مبارک باد کسی که به نام خداوند می‌آید، مبارک باد پادشاه اسرائیل.

بنابراین، عیسی دوباره سوار بر الاغ وارد شهر می‌شود، و اشاره به آن در یوحنا آیه ۱۵ از زکریا فصل ۹، آیه ۹ است. بنابراین، ما همان متنی را داریم که در سنت هم‌نوا برای توصیف ورود پیروزمندانه ذکر شده است. در تفسیر یوحنا در اینجا در ۱۲:۱۶ آمده است که در ابتدا شاگردانش همه اینها را نفهمیدند، تنها پس از جلال یافتن عیسی متوجه شدند که این چیزها درباره او نوشته شده است و این کارها برای او انجام شده است. بنابراین، من فکر می‌کنم منظور این است که شاگردان عیسی تنها با نگاهی به گذشته، اهمیت واقعی منمور ۱۱۸ و زکریا فصل ۹، آیه ۹ را در مورد آمدن عیسی درک کردند.

نکته جالب دیگر در مورد این یادداشت خاص در ورودی پیروزمندانه این است که در آیه ۱۷ آمده است جمعیتی که هنگام فراخواندن ایلعازر از قبر و زنده کردن او از مردگان با او بودند، همچنان به پخش این خبر ادامه دادند. و اکنون ایلعازر مانند نمونه الف از مهارت عیسی است، و بنابراین اوست که شور و شوق زیادی برای عیسی ایجاد می‌کند. نکته دیگری که باید در اینجا به طور خلاصه در مورد آن صحبت کنیم این است که چگونه در نتیجه گیری این فصل، تمام نشانه‌های عیسی در آیه ۳۷ منعکس شده است، و اینکه چگونه این امر منجر به ایمان آوردن همه نشده است.

بنابراین، این واقعیت که واکنش خاموشی نسبت به عیسی وجود داشته، واکنشی دوباره، و بسیاری از مردم به او ایمان نیاورده‌اند، توسط یوحنا به عنوان تحقق سخنان اشعیا در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، در یوحنا نقل قولی از اشعیا ۵۳، آیه ۱ داریم: ای خداوند، چه کسی پیام ما را باور کرده است و بازوی ۱۲:۳۸ خداوند به چه کسی آشکار شده است؟ سپس یوحنا نظر ویرایشی دیگری می‌دهد. به همین دلیل، آنها قادر به ایمان آوردن نبودند.

آنها نمی‌توانستند ایمان بیاورند، زیرا همانطور که اشعیا در جای دیگری می‌گوید، او چشمان آنها را کور کرد و دل‌هایشان را سخت ساخت، به طوری که نه با چشمان خود ببینند و نه با دل‌های خود بفهمند و برگردند و من آنها را شفا می‌دهم. و سپس یوحنا فصل ۱۲، آیه ۴۰ از اشعیا فصل ۶، حول آیه ۹ گرفته شده است. جالب اینجاست که یوحنا در آیه ۴۱ می‌گوید که اشعیا این را گفت زیرا به معنای واقعی کلمه جلال او البته، به نظر من به درستی، جلال او را به عنوان اشاره به عیسی در نظر می‌گیرد و ترجمه NIV را دید، و می‌کند که اشعیا این را گفت زیرا جلال عیسی را دید و درباره او صحبت کرد. فقط یک لحظه در مورد آن فکر کنید.

وقتی در باب ۶ کتاب اشعیا را داریم، فرشتگان با دیدن خدا در اوج و مقام، می‌گویند: «کادوش، کادوش، کادوش، مقدس، مقدس، مقدس است خداوند خدای قادر مطلق». اینکه یوحنا می‌گوید آنها در جستجوی عیسی بودند و اشعیا جلال عیسی را دید، کاملاً درست است. این معادل است.

این در واقع فقط می‌گوید که او خداوند لشکرها است که در جلال و شکوه سرافراز شده است. متن واضح دیگر در مورد دیدگاه والا نسبت به عیسی، الوهیت عیسی در انجیل یوحنا است. پس برگردیم به موضوع پاسخ خاموش به عیسی.

متن اول از اشعیا ۵۳ نقل قول می‌کند تا توضیح دهد که چرا افراد زیادی ایمان نیاوردند، و در آیه ۳۹ با تأکید بیشتر می‌گوید که آنها به دلیل اشعیا فصل ۶، آیه ۹ نمی‌توانستند ایمان بیاورند. سپس آیه ۴۲ به نوعی موضوع دیگری می‌گیرد. پس از اینکه می‌گوید بسیاری ایمان نیاوردند زیرا نمی‌توانستند ایمان بیاورند، آیه ۴۲ می‌گوید که در واقع در همان زمان بسیاری حتی در میان رهبران به او ایمان آوردند. بنابراین، یوحنا ما را به یک جهت و به جهت دیگری می‌برد.

و بنابراین، فکر می‌کنم ما تا حدودی به این موضوع هدایت می‌شویم که متن به آنچه در ابتدای فصل ۷ خوانده‌ایم، به طور مداوم برمی‌گردد. در مورد عیسی واکنش‌های کاملاً متفاوتی وجود داشت و مطمئناً بسیاری به او ایمان نیاوردند و شاید تعداد کمتری ایمان آوردند، اما تعداد کمتری که به او ایمان آوردند، کم نبودند. بنابراین، یوحنا در آیه ۴۲ به ما می‌گوید که بسیاری به او ایمان آوردند و او می‌گوید حتی در میان رهبران نیز چنین بود. حالا لحظه‌ای در مورد آن فکر کنید.

تنها کسی که از میان رهبران یهود، کمترین اطلاعی از ایمان او به عیسی مسیح داریم، نیکودیموس بود، نیکودیموس در واقع از آنها خواست که حداقل در پایان فصل ۷، در طرز فکرشان نسبت به عیسی مسیح کمی انصاف و صداقت قضایی داشته باشند. و در فصل ۹ خواهیم دید که نیکودیموس به همراه یوسف رامه ای که به عنوان یکی دیگر از اعضای شورا معرفی شده است، جسد عیسی را دفن می‌کنند.

ما هیچ نشانه صریح دیگری در انجیل یوحنا نداریم که نشان دهد دیگران در میان رهبران اسرائیل به او ایمان داشتند. شاید افراد دیگری هم بودند، شاید یوحنا فقط می‌خواهد ما آن دو نفر را به خاطر بیاوریم. بنابراین، ما جمله‌ای داریم که بسیاری آن را باور نکردند، نمی‌توانستند باور کنند.

خب، حتی از میان رهبران هم برخی ایمان آوردند، اما این توضیح می‌دهد که چرا ما چیز زیادی در مورد آنها نمی‌دانیم. آیه ۴۲ از میدل‌وود، به خاطر فریسیان، آنها نمی‌توانستند آشکارا ایمان خود را اعلام کنند، از ترس اینکه از کنیسه بیرون رانده شوند. آنها ستایش انسان را بیشتر از ستایش خدا دوست دارند.

این ما را به نکته‌ای می‌رساند که بارها و بارها در یوحنا تکرار کرده‌ایم. امیدوارم اگر ویدیوهای دیگر را دیده‌اید، از این خسته نشده باشید. دلیل اینکه زیاد در مورد این موضوع صحبت کرده‌ایم این است که یوحنا زیاد در مورد آن صحبت می‌کند و این سوال را مطرح می‌کند و بنابراین ما همچنان نیاز داریم که در مورد آن تأمل کنیم و آن را درک کنیم.

در اینجا، در فصل ۱۲ آیه ۱۱، دوباره به ما گفته شده است که بسیاری به ورود پیروزمندانه عیسی ایمان داشتند. حتی به خاطر ایلعازر، بسیاری طبق فصل ۱۲ آیه ۱۱ به عیسی ایمان داشتند، که به خودی خود خوب است، اما از دیدگاه رهبران، دلیل بیشتری بود که می‌خواستند عیسی را بکشند. بنابراین، آنها می‌خواستند عیسی را بکشند زیرا ایلعازر را از مردگان برخیزانیدند و نقشه می‌کشیدند که ایلعازر را نیز بکشند. زیرا او گواهی بر قدرت عیسی بود.

بنابراین، آنها ستایش انسان را بیشتر از ستایش خدا دوست داشتند. بنابراین، دوباره با مسئله ایمان مبهم روبرو هستیم. بسیاری ایمان آوردند اما علناً عیسی را تصدیق نکردند.

باز هم، بسیاری از آیات یوحنا به این سوال می‌پردازند. من فکر می‌کنم سوالی که می‌خواهیم بررسی کنیم این است، که آیا آنها ایمانداران واقعی بودند یا نه؟ من سپاسگزارم که وقتی به سوالاتی از این دست فکر می‌کنم، تصمیم‌گیری بر عهده من نیست. لازم نیست آن سوال را بدانم.

من فقط باید قلب خودم را با خدا و افرادی که در اطراف من و در حلقه خدمت من هستند، صاف نگه دارم. من سعی می‌کنم در مورد ضعف ایمانم و نیاز به پایداری در ایمان و تشویق یکدیگر برای ادامه پیروی از عیسی، صادق و روراست باشم. بنابراین، نمی‌دانم چگونه این افراد را دسته‌بندی یا پیش‌بینی کنم یا دقیقاً بدانم که در پیشگاه خدا کجا قرار دارند.

فکر نمی‌کنم یوحنا لزوماً بخواهد ما این را بدانیم. او می‌توانست در این مورد واضح‌تر باشد. یک نکته که در یوحنا واضح به نظر می‌رسد این است که او می‌خواهد مردم از عیسی پیروی کنند و پربار و وفادار باشند و در مسیح بمانند و ساکن شوند.

بسیاری از افرادی که به نوعی به عیسی ایمان داشتند، این کار را نکردند. به وضوح در یوحنا فصل ۸، در بخش پایانی آن فصل. بنابراین، اینکه ما چگونه همه این افراد را تفسیر می‌کنیم، من فقط از نظر ادبیات موجود در یوحنا مطمئن نیستم.

ما، اکثر ما، با نوعی الهیات سیستماتیک از طرح خدا در رابطه با استقامت در ایمان به یوحنا مراجعه می‌کنیم. من فقط به شما می‌گویم، در مورد آنچه در کلیسای خود در مورد استقامت در ایمان و ایمن‌سازی ایماندار آموخته‌اید فکر کنید و به نتیجه‌ای برسید که با آنچه متن در اینجا می‌گوید، مطابقت داشته باشد. من فکر می‌کنم نکته اصلی که متن به ما می‌گوید، چیزی است که شاید ما را وادار به فکر کردن در مورد آن در فصل ۱۳ می‌کند، زمانی که عیسی به شاگردان می‌گوید، یکی از شما به من خیانت خواهد کرد.

بنابراین به جای اینکه فکر کنیم ما ظرفیت قضاوت ایمان دیگران را داریم و دقیقاً می‌دانیم چه اتفاقی برای آنها می‌افتد، شاید باید مانند شاگردان در یوحنا ۱۳ باشیم که وقتی با خیانت روبرو شدند، اساساً به یکدیگر نگاه کردند و فکر کردند، آیا ممکن است من باشم؟ بنابراین، به نظر من سالم است که هر از گاهی همین سوال را از خودمان پرسیم. آیا ممکن است من باشم؟ بنابراین، ما یوحنا ۱۲ را با به یاد آوردن اینکه عیسی در این فصل در کجا بود، پشت سر می‌گذاریم، زمانی که او در مورد حضور این یونانیانی که آمده بودند و می‌خواستند او را ببینند فکر می‌کرد، شاید به عنوان نشانه‌ای از اینکه خدمت او به پایان می‌رسد. و ما در اینجا متنی داریم که تقریباً ما را به یاد سنت سینوپتیک، باغ جتسمانی، می‌اندازد.

عیسی می‌گوید، اکنون جان من مضطرب است؟ چه بگویم؟ پدر، مرا از این ساعت نجات بده. نه، دقیقاً به همین دلیل است که به این ساعت رسیده‌ام، بنابراین نمی‌توانم چنین چیزی بگویم. چه بگویم؟ پدر، نام خود را جلال بده.

بنابراین، ما در این مرحله یک صدای آسمانی داریم که گفته‌های عیسی را تأیید می‌کند. من آن را جلال داده‌ام و دوباره جلال خواهم داد. نوعی ماهیت شنیدنی از آن پاسخ به عیسی وجود داشت که توسط جمعیت شنیده می‌شد.

برخی آن را به رعد تعبیر کردند. برخی آن را به فرشته‌ای که با عیسی صحبت می‌کرد، تعبیر کردند. اگر عیسی، در یوحنا الگوی ما باشد، همانطور که واضح است در تمام اناجیل نیز چنین است، و اگر وقتی گفت همانطور که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم، این گفته چیزی بیش از توزیع روح القدس به شاگردان توسط او بود، پس شاید فکر می‌کنم که من و شما باید بتوانیم سخنان یوحنا فصل ۱۲، آیه ۲۷ را تکرار کنیم.

آیا باید به خدا بگوییم، ما را از هر مشکلی که با آن روبرو هستیم نجات بده؟ نه، باید بگوییم، پدر، نام خود را جلال بده.

این دکتر دیوید ترنر است که در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا می باشد. این جلسه ۱۴، بازگشت به اورشلیم برای آخرین بار، یوحنا ۱۲: ۱-۵۰ است.